

## جهانی شدن در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه ج.ا.ا.)\*

قاسم میسائی\* - حشمت‌اله فلاحت‌پیشه\*\* - فائز دین‌پرست\*\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴)

### چکیده

در جمهوری اسلامی ایران مسئله توسعه به صورت برنامه‌های پنج‌ساله برنامه‌ریزی و دنبال می‌شود و به این لحاظ برنامه‌های توسعه تصویب شده مهم‌ترین سند توسعه در ج.ا.ا. تلقی می‌شوند که قبل از هر چیز دیگر باید موضوع تحقیق درباره‌ی توسعه باشند. پژوهش حاضر به بررسی نحوه نگرش به جهانی شدن در برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم توسعه پرداخته است. سؤال اصلی تحقیق این‌گونه مطرح شده است: چه نسبتی بین جهانی شدن و توسعه در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟ این سؤال در قالب چهار سؤال فرعی زیر دنبال شده است: الف) هر یک از برنامه‌های توسعه چه دیدگاهی نسبت به جهانی شدن دارند؟ ب) ابعاد مختلف جهانی شدن، در هر یک از برنامه‌های توسعه چگونه مطرح شده است؟ ج) در مقام مقایسه چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین برنامه‌های توسعه، از نظر نگاه به جهانی شدن و توسعه، وجود دارد؟ د) مواد دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی شدن، در هر یک از برنامه‌های توسعه از لحاظ ابعاد جهانی شدن، در کدام‌یک از ابعاد مورد نظر قرار می‌گیرند؟ روش تحقیق، تحلیل محتوا انتخاب شده است و جامعه آماری تحقیق متن برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه انتخاب شده است و برای بررسی دقیق‌تر از نمونه‌گیری اجتناب شده است. برای تجزیه و تحلیل نیز از آمار توصیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، توسعه، برنامه‌های توسعه، تحلیل محتوا

\* مقاله حاضر از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «جهانی شدن و توسعه در برنامه‌های توسعه ج.ا.ا.» استخراج شده است.

ghmisaei@yahoo.com

\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

drfalahatpisheh88@gmail.com

\*\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

faez.dinparast@gmail.com

\*\*\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

«توسعه» و مباحث مرتبط با آن به‌طور جدی بعد از جنگ جهانی دوم و ظهور خیل عظیمی از کشورهای تازه استقلال‌یافته، وارد ادبیات سیاسی شد. به‌نحوی که از این زمان به بعد، هرروز بر مطالعات صورت گرفته در این زمینه افزوده شد. اگر توسعه برای پژوهشگران سیاسی به یک مسئله تبدیل شده، این موضوع برای کشورهای درحال توسعه به یک دغدغه تبدیل شده است. به‌گونه‌ای که تمام اقدامات آن‌ها به نحوی از انحا معطوف به این مسئله است. اگرچه توسعه در کشورهای «توسعه‌یافته» به‌مرورزمان و با روند طبیعی صورت گرفته است اما کشورهای درحال توسعه با اضطراب زمانی مواجه‌اند و بر همین اساس اهداف توسعه‌ای خود را بر اساس برنامه تعیین می‌کنند و درصدد دستیابی به توسعه به‌صورت برنامه‌ریزی شده هستند. ایران از متقدمان و مبتکران برنامه‌ریزی اقتصادی در کشورهای درحال توسعه است و اهداف توسعه خود را در قالب برنامه‌های پنج‌ساله دنبال می‌کند. این برنامه‌ها شامل برنامه‌ریزی برای توسعه کشور در همه‌ی زمینه‌ها در پنج سال آینده است. اولین برنامه عمرانی ایران در سال ۱۳۲۶ توسط هیئت دولت وقت تهیه شد که شروع آن از اول مهرماه ۱۳۲۷ و پایان آن ۳۱ شهریور ۱۳۴۱ بود (جنت، ۱۳۸۵، ۳۲) پس از پیروزی انقلاب اسلامی روند تهیه برنامه‌های توسعه ادامه پیدا کرد و برنامه‌های اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴)، سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) و نهایتاً پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) تصویب شدند. از طرف دیگر در عصر حاضر چیزی که مسئله توسعه و پدیده توسعه را تحت تأثیر قرار داده است و به آن وضعیت خاصی بخشیده است، مسئله «جهانی‌شدن» است. جهانی‌شدن به مهم‌ترین مسئله در جهان کنونی تبدیل شده است و بر تمامی مسائل تأثیر گذاشته است. در عصر کنونی که مهم‌ترین مؤلفه آن جهانی‌شدن است، توسعه و مسائل مرتبط با آن دچار تحول جدی شده است. اکنون کشورها برای توسعه صرفاً نمی‌توانند به منابع داخلی خود متکی باشند و مسئله استفاده از امکانات خارجی و در مواقع ضروری اتخاذ استراتژی‌های مناسب برای مقابله با تهدیدات خارجی به‌صورت جدی مطرح می‌شود. بدین ترتیب، این دو مسئله یعنی جهانی‌شدن و توسعه، به‌گونه‌ای غیرارادی به همدیگر گره خورده‌اند. در رابطه با موضوع جهانی‌شدن و توسعه (به‌طور کلی) و در ایران (به‌طور خاص) تحقیقاتی انجام شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. استیگلیتز در مقاله‌ای تحت عنوان «جهانی‌شدن و توسعه» نیاز به اقدام جمعی، به‌ویژه در زمینه‌ی توسعه را دارای اهمیت بسزایی می‌داند. نویسنده جهانی‌شدن را دارای ظرفیت بالقوه‌ای برای ارتقای سطح توسعه می‌داند اما معتقد است که به دلیل نحوه‌ی مدیریت جهانی‌شدن طی پنجاه سال گذشته این ظرفیت‌ها محقق نشده‌اند (استیگلیتز، ۱۳۸۸، ۱۶۴-۱۶۰). احمد ساعی در کتاب

«توسعه‌نیافتگی در دوران پسااستعماری» به بررسی وضعیت کشورهایی که «توسعه‌نیافته» خوانده می‌شوند، می‌پردازد. ساعی در فصل هفتم با عنوان «جهانی‌شدن و توسعه‌نیافتگی» بیان می‌دارد که اگرچه جهانی‌شدن امیدهایی را برای توسعه کشورهای توسعه‌نیافته فراهم کرد، اما این پدیده با چالش‌هایی جدی روبروست که نه تنها کمکی به توسعه کشورهای توسعه‌نیافته نمی‌کند، بلکه در جهت مخالف آن سیر می‌کند (ساعی، ۱۳۸۸: ۱۵۴). عبدالعلی قوام در فصل هفتم کتاب «جهانی‌شدن و جهان سوم» به مسئله جهانی‌شدن و توسعه پرداخته است. به‌زعم نویسنده، ایده‌ی توسعه به‌واسطه‌ی قواعد گفت‌وگویی جهانی‌شدن شالوده‌شکنی شده است (قوام، ۱۳۸۲: ۲۵۶). احمد گل محمدی در کتاب «جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت» با تمرکز بر بعد فرهنگی جهانی‌شدن، به رابطه‌ی آن با فرهنگ‌ها و هویت‌های بومی پرداخته است. فرضیه اصلی کتاب مذکور این است که فرایند جهانی‌شدن، خاص‌گرایی‌های فرهنگی را تقویت کرده است (گل محمدی، ۱۳۸۱b: ۱۲۲). از آثار دیگر، کتاب ارزشمند محمود سریع‌القلم با عنوان «ایران و جهانی‌شدن» است. سریع‌القلم در این اثر به بررسی ارتباط ایران و جهانی‌شدن می‌پردازد و بهره‌برداری از فرصت‌های جهانی‌شدن را مستلزم سه عامل زیر می‌داند: ۱- تقویت بنیان‌های فرهنگی و ایجاد استحکام در هویت ملی؛ ۲- ایجاد ثبات سیاسی از طریق شایسته‌سالاری و اتکای حاکمیت و قدرت ملی به طبقات تحصیل کرده، حرفه‌ای و صاحب‌سرمایه در کل جامعه و تقلیل پوپولیسم؛ ۳- اجماع فکری و تسلسلی عملی نخبگان سیاسی در کانون‌های مختلف قدرت در افق‌ها و جهت‌گیری و محتوای راهبرد ملی (سریع‌القلم، ۱۳۹۱: ۱۷). کتاب «ایران، فرصت‌ها و چالش‌های جهانی‌شدن» اثر هادی زمانی، از دیگر آثار مهم در این زمینه است. نویسنده در این اثر به بررسی پیامدهای جهانی‌شدن برای مردم ایران می‌پردازد و عملکرد جمهوری اسلامی ایران را در این عرصه ارزیابی و فرصت‌ها و چالش‌هایی را که روند جهانی‌شدن برای مدیریت اقتصادی و سیاسی ایران به وجود می‌آورد، بررسی می‌کند (زمانی، ۱۳۸۴: ۱۲).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این تحقیقات، اگرچه به موضوع جهانی‌شدن و توسعه پرداخته‌اند، و برخی از آن‌ها نیز به‌طور خاص متوجه ایران شده‌اند و در این زمینه نیز منابع ارزشمندی محسوب می‌شوند، با این وجود، عاملی که علت انجام پژوهش حاضر را بیان می‌کند، این است که منابع معرفی‌شده بدون توجه به برنامه‌های توسعه (به‌منزله مهم‌ترین سند توسعه برای ج.ا.ا) صورت گرفته است، درحالی‌که پژوهش حاضر متن برنامه‌های توسعه را مورد تحلیل قرار می‌دهد. و نکته دیگر، روش پژوهش حاضر است که آن را از آثار دیگر متمایز می‌کند. بر همین اساس پژوهش حاضر سعی در بررسی روش‌مند برنامه‌های توسعه با توجه به موضوع جهانی‌شدن دارد. سؤال مطرح‌شده در این مقاله این است که در برنامه‌های توسعه سوم، چهارم

و پنجم، چه نگرشی نسبت به جهانی شدن گنجانده شده است؟ این سؤال کلی در قالب چهار سؤال فرعی زیر مورد بررسی قرار گرفته است: ۱- هر یک از برنامه‌های توسعه چه دیدگاهی نسبت به جهانی شدن دارند؟ (چند درصد از هر یک از برنامه‌های توسعه با جهانی شدن مرتبط است؟)؛ ۲- ابعاد مختلف جهانی شدن، در هر یک از برنامه‌های توسعه چگونه مطرح شده است؟؛ ۳- در مقام مقایسه چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین برنامه‌های توسعه، از نظر نگاه به جهانی شدن و توسعه، وجود دارد؟؛ ۴- مواد دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی شدن، در هر یک از برنامه‌های توسعه از لحاظ ابعاد جهانی شدن، در کدام یک از ابعاد مورد نظر قرار می‌گیرند؟ فرضیه مطرح شده از این قرار است که بر اساس نگرش موجود در برنامه، جهانی شدن هم به عنوان فرصت و هم به عنوان تهدید در نظر گرفته شده است، باین وجود جنبه‌های فرصت‌گانه‌ی آن بیشتر به چشم می‌خورد. در این گزارش از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود. متن برنامه را ابتدا به فصول آن تقسیم می‌کنیم و سپس ماده‌های آن را به عنوان واحد زمینه انتخاب شده‌اند.

### جهانی شدن؛ ابعاد و شاخص‌های آن

اگرچه واژه «جهانی»<sup>۱</sup> بیش از چهارصد سال قدمت دارد اما مفهوم جهانی شدن از حدود ۱۹۶۰ رواج عام یافته است. به گفته‌ی رابرتسون، این مفهوم تا دهه‌ی ۱۹۸۰ اعتبار چندانی نداشت و نخستین مقاله در باب جهانی شدن را او در سال ۱۹۸۵ منتشر کرده است (فصیحی، ۱۳۸۲: ۱۴۴) در دهه‌های اخیر این واژه برای تأکید بر جهان به عنوان یک واحد اجتماعی مستقل، متمایز و قائم به خود که می‌تواند سطح تحلیل متمایز و بنابراین موضوع یک دانش جداگانه باشد، به کار می‌رود. (Albrow, 1992: 5-6) گذشته از اینکه از جهانی شدن قرائت‌ها و تعاریف مختلفی بیان شده است، (موثقی و زاهدی، ۱۳۹۰: ۳۰۵) و به دلیل وجود دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف، هنوز ماهیت آن فاقد روشنی و وضوح است، (رنجکش، ۱۳۸۹: ۲)؛ (مهر علی زاده، ۱۳۸۴: ۱۲) زیرا: اولاً، این پدیده هنوز به حد تکامل نهایی خود نرسیده است؛ ثانیاً، هر تعریف بر بعدی از ابعاد آن تأکید کرده است (پروین، ۱۳۸۹: ۴۳) در اینجا صرفاً به یکی از شناخته شده‌ترین و کامل‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: آنتونی مک‌گرو جهانی شدن را برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و مراجع می‌داند که منجر به ایجاد نظام جهانی کنونی می‌گردد و نیز فرایندی که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های دیگر کره‌ی زمین داشته

باشد (کومسا، ۱۳۷۸: ۱۸۳) انسان‌ها، جوامع و گروه‌های اجتماعی در محیط کنونی حیاط بشر در شرایطی زندگی می‌کنند که حتی برای درک موقعیت و ویژگی‌های خود و شناخت خصایل خویش ناگزیر از فهم جهان و محیطی هستند که به جریان زندگی آن‌ها معنا می‌بخشد. جهان ابتدای قرن ۲۱ جهانی است که هیچ فرد یا جامعه‌ای نمی‌تواند، حصار به دور خود کشیده و از آن دوری گزیند و به عبارت دیگر خویشتن هر جامعه و هر گروه اجتماعی در ارتباط با کلیت‌های فراگیر در جهان معنا و مفهوم می‌گیرد. هویت‌ها، منافع، امنیت، فعالیت‌های اقتصادی، ایده‌ها، اندیشه‌ها و هنرها همگی از دایره بسته مرزهای جغرافیایی خارج شده و در گستره‌ای به وسعت جهان ظهور می‌یابند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۱-۲) امروزه انقلابی شگرف در فنون ارتباطی و اطلاعاتی و شکل‌گیری یک نظام ارتباطی جدید مبتنی بر زبان همگانی دیجیتال، بنیاد مادی جامعه را چنان دگرگون ساخته است که هیچ‌گونه انزوا گزینی و کناره‌گیری را بر نمی‌تابد. حتی دورافتاده‌ترین و سنتی‌ترین جوامع نیز از بستن مرزهای خود به روی جریان‌ها و شبکه‌های جهانی ناتوان هستند (گل محمدی، ۱۳۸۱a: ۸۸-۸۹).

جهانی شدن پدیده‌ای بسیار گسترده است و عموماً آن را در سه بعد اقتصاد، فرهنگ و سیاست مورد بررسی قرار می‌دهند:

### الف) بعد اقتصادی

رایج‌ترین دیدگاه‌ها درباره‌ی جهانی شدن از آن اقتصاددانان است که بر پایه‌ی همبستگی بیش‌ازپیش اقتصادهای ملی در یک اقتصاد و در محدوده‌ی بازار سرمایه‌داری به آن می‌نگرند. (Lee, 2001: 62) این بعد از جهانی شدن در تحلیل ماهیت و ساختار نظم اقتصادی کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد (ماندگار، ۱۳۹۰: ۲۹۹) و ناظر بر تحولاتی است که در زمینه‌ی اقتصادی در جهان صورت گرفته است که منجر به پررنگ شدن جنبه‌های جهانی اقتصاد دولت‌ها شده است. بدین صورت که اقتصاد داخلی کشورها تابع تحولات اقتصادی در جهان شده است. جهانی شدن اقتصادی بدین معناست که سیاست‌های پولی و مالی حکومت‌های ملی، تحت سیطره‌ی تحرکات بازارهای مالی بین‌المللی هستند، تا حدی که ارزش بسیاری از معیارهای استقلال سیاست اقتصادی ملی اکنون زیر سؤال رفته است. (Amin, 1997: 128)

درواقع جهانی شدن اقتصاد را می‌توان شرایطی دانست که در آن، حدود مرزهای جغرافیایی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری و تولید و نقل و انتقالات مالی کمترین نقش را دارند. جهانی شدن اقتصاد، اقتصادهایی را که تا زمانی به دلایل مختلف همچون بالا بودن هزینه‌های حمل و نقل و فاصله‌های جغرافیایی از هم دور بودند بیش‌ازپیش به هم نزدیک می‌کند

و آنچه در این شرایط بسیار خوب خودنمایی می‌کند افزایش رقابت در سطح جهان است (چمپتی و لوریا، ۱۳۷۶) در این راستا پیشرفت تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات کمک بزرگی به جهانی شدن اقتصاد کرد. در بعد اقتصاد ما شاهد جهانی شدن سرمایه، تولید و خدمات به مدد انواع تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی هستیم (هینس، ۱۳۸۱: ۱۰). جهانی شدن در حوزه‌ی اقتصاد شامل ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد بین‌المللی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (توسط شرکت‌های چندملیتی)، جریان سرمایه کوتاه‌مدت، جابجایی بین‌المللی کارگران و به‌طور کلی انسان‌ها و انتقال فناوری است (لعل بماگواتی، ۱۳۸۳: ۴). تولید جهانی و جابجایی سرمایه اکنون از طریق اقدامات شرکت‌های چندملیتی یکپارچه شده است. این شرکت‌ها سردمدار جهانی شدن اقتصاد هستند که بر اساس آن، تولید شرکت به کشوری که شرکت در آن تأسیس شده محدود نمی‌شود بلکه نمایندگی‌های مختلف تولیدی در کشورهای مختلف بر مبنای سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم به‌وسیله‌ی خود شرکت، به امر تولید می‌پردازند (نش، ۱۳۸۹: ۷۳).

با جهانی شدن اقتصاد دولت در وضعیت بسیار مشکلی قرار گرفته است: دولت مجبور است که فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌ی شرکتی را در جهت منافع ملی ضابطه‌مند کند و در همین حال مجبور است باز در جهت منافع ملی «جو تجاری مناسبی» ایجاد کند و به‌عنوان مشوق ورود سرمایه مالی فراملی و جهانی عمل نماید. همچنین دولت موظف است تا با ابزاری غیر از کنترل‌های مبادلاتی جلو فرار سرمایه‌ها به مناطق پرسودتر را بگیرد. (Harvey, 1989: 170)

### ب) بعد فرهنگی و اجتماعی

آنتونی گیدنز بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی جهانی شدن تأکید می‌کند. بر اساس دیدگاه او جهانی شدن را نمی‌توان صرفاً پدیده‌ای اقتصادی دانست، هرچند که شکل‌گیری یک اقتصاد جهانی، از مهم‌ترین ویژگی‌های پدیده‌ی موردنظر است (Giddens, 1998: 30-31) این بعد ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید در عرصه فرهنگ و اجتماع است. افزایش میزان دسترسی افراد به رادیو و تلویزیون در چند دهه‌ی اخیر بسیار گسترش یافته است. همچنین افزایش شمار خط‌های تلفن (ثابت و همراه) و تعداد کاربران اینترنت نیز از جمله ملاک‌هایی است که باید به آن اشاره کرد. (Scholte, 2000: 86) جهانی شدن از طریق گسترش شبکه‌های رایانه، ارتباطات تلفنی، رسانه‌های جمعی الکترونیک و مانند آن برای افراد این امکان را فراهم آورده که بدون توجه به موقعیت مکانی آن‌ها بر روی زمین و مرزهای کشوری، به‌طور آنی با افراد سراسر جهان ارتباط برقرار کنند. بدین ترتیب اطلاعات انبوهی در عرض چند ثانیه در

سراسر کره‌ی زمین منتشر می‌شود؛ پدیده‌ای که مک لوهان از آن به‌عنوان «انفجار اطلاعات» یاد می‌کند. به نظر او این انفجار اطلاعات به معنی جمع‌تجارب در یکجا است، به‌نحوی که هر انسانی می‌تواند حوادث و مناظری را که بسیار دورتر از وی هستند را احساس و امور مربوطه به دیگر اشخاص بشر را مشاهده کند (McLuhan, 1964: 185). برخی اندیشمندان مانند واترز بعد فرهنگ‌ی جهانی‌شدن را قلب جهانی‌شدن می‌دانند. او فرهنگ‌ی شدن زندگی اجتماعی را پایه و اساس سیستم‌های سیاسی و حتی مبادلات اقتصادی می‌داند. وی این جریان سیاسی نظام‌های نشانه‌ای در عصر حاضر را شامل: حوزه‌های اخلاقی، امکان حرکت افراد و نقل و انتقال افراد، حوزه‌های تکنیکی، توزیع فناوری، حوزه‌ی ایده و اندیشه، توزیع و گسترش ایده و ارزش‌های سیاسی (مانند آزادی، دموکراسی و حقوق بشر) می‌داند (زهره‌ای، ۱۳۸۹: ۸۷).

نسبت به بعد فرهنگ‌ی جهانی‌شدن به لحاظ نظری دو دیدگاه وجود دارد:

#### الف) دیدگاه ناهمگن

عده‌ای معتقدند که علی‌رغم ایجاد مشابهت‌ها و پیوندهای فرهنگ‌ی در میان فرهنگ‌های مختلف جهان، گرایش به سوی چندگانگی فرهنگ‌ی نه‌تنها زمینه خود را از دست نداده بلکه یکی از جنبه‌های اصلی تمدن جهانی است (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۳۱). رابرت سون از جمله‌ی این نظریه‌پردازان است که جهانی‌شدن را دو فرایند هم‌زمان عام‌گرایی و خاص‌گرایی دانسته، به‌طور طبیعی چرخه‌ی اول جهانی‌شدن را فراگیرتر و چرخه‌ی دوم را منعکس‌کننده‌ی جهانی‌شدن‌های متکثری تلقی کرده است که در حلقه‌های همگن جهانی با توجه به تمایلات حرفه‌ای، دینی، قومی، زبانی شکل می‌گیرد. این گروه از جامعه‌شناسان نظریه فرهنگ جهانی را می‌پذیرند، منتهی نه در یک‌شکل کامل و یا در یک قلمرو محدود. این‌ها معتقدند که هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند به‌طور کامل و دست‌نخورده و بدون حتی کوچک‌ترین تغییری جهانی‌شدن شود. از طرفی ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جهانی‌شدن، زمینه‌ی جهانی‌شدن مطلق یک فرهنگ را فراهم نمی‌کند، بلکه همه فرهنگ‌ها به‌طور نسبی، یعنی متناسب با قدرت و اقتدار و پذیرش فرهنگ‌ی، قلمرو جهانی پیدا می‌کنند. توجه به تنوع و توسعه پلورالیسم در عصر جهانی‌شدن، یکی از مختصات مهم این نظریه است. بنابراین یکی از ابعاد این نظریه ناظر بر رد «یک فرهنگ یکسان شده» برای جهان است (عاملی، ۱۳۸۸: ۴۰-۴۱). بر این اساس همسان‌سازی کلی فرهنگ‌ی در جهان اتفاق نیفتاده و به نظر نمی‌رسد چنین واقعه‌ای رخ دهد، بلکه یک شبکه ارتباطی بین فرهنگ‌ها و ملت‌ها به وجود آمده که تسهیل‌کننده روابط فرهنگ‌ی و تبادل فرهنگ‌ی و هنجاری شده است.

### ب) دیدگاه همگن‌سازی

یکی از مسائل محوری و عمده که در بدو شکل‌گیری نظریه جهانی‌شدن اذهان بسیاری را به خود مشغول داشته و به موضوع مرکزی نظریه‌پردازان این حوزه تبدیل شد، پیدایش هویت‌های عام و همگون در جهان بود. در این مرحله، بسیاری از نظریه‌پردازان با تعابیر متفاوتی از تأثیرات همگون‌سازی و یکنواخت‌کننده هویتی و فرهنگی جهانی‌شدن سخن می‌گفتند (کچوئیان، ۱۳۸۴: ۲۵۲). این گروه از جامعه‌شناسان تأکید دارند که پدیده‌ی فرهنگ یکپارچه‌ی جهانی نتیجه‌ی قطعی روند جهانی‌شدن است. از این دیدگاه جهانی‌شدن معاصر دوره جدیدی را تعریف کرده است که مردم در هر کجای دنیا که باشند به صورت فزاینده تحت اشراف «بازار جهانی فرهنگ» قرار می‌گیرند. پیش‌بینی ذهنی این گروه از متفکران اجتماعی این است که دنیا مواجه با یکپارچگی جدیدی بر اساس «فرهنگ مردم‌پسند آمریکایی» و یا به‌طور عمومی بر اساس «مدل مصرف‌گرایی غربی» خواهد بود (عاملی، ۱۳۸۸، ۳۲-۳۳).

### پ) بعد سیاسی

جهانی‌شدن به جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی ختم نمی‌شود بلکه جنبه‌های واضح سیاسی هم دارد. در بعد سیاسی شاهد رشد عملکردهای فراملی هستیم به گونه‌ای که اقتدار دولت‌ها را کاهش می‌دهند و فضای سیاسی جدیدی را خلق می‌کند. (بال و پیترز، ۱۳۸۴: ۱۱۳) انقلاب ارتباطات باعث تحولی شگرف در ساختار توزیع قدرت شده و با دسترسی تعداد روزافزون شهروندان به اطلاعات گسترده و تشکیل کانون‌های جدید قدرت، نفوذ مراکز سابق قدرت کم‌رنگ‌تر می‌شود. همانند دانش اولیه پزشکی که قدرت را از دست جادوگر قبیله خارج کرد، اطلاعات در مورد شیوه‌های گوناگون زندگی در سایر کشورها، نتیجتاً اعتبار مبانی قدرت برخی از دولت‌ها را مورد تهدید قرار داده است (برزگر، ۱۳۸۲: ۱۵۲). از سوی دیگر شاهد ظهور مسائل و مشکلات جدیدی در عرصه جهانی هستیم که دولت‌ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به آن‌ها نیستند و از این رو به راه‌حل‌های جهانی و نه ملی نیاز دارند (بال و پیترز، ۱۳۸۴: ۱۱۳). در این مورد ذکر گفته‌ای منسوب به دانیل بل مناسب و بجاست: «دولت-ملت آن قدر کوچک است که نمی‌تواند مشکلات بزرگ را حل کند و آن قدر بزرگ است که نمی‌تواند مشکلات کوچک را حل کند» (O Donnel, 2005: 209) شاخص‌های جهانی‌شدن سیاست را می‌توان در قالب موارد زیر بیان کرد:

الف) گسترش الگوهای حکومتی دموکراسی در جهان متناسب با وضعیت بومی کشورهای

مختلف



ب) افزایش نقش سازمان ملل و شورای امنیت در حل و فصل مسائل جهانی  
 ج) شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی و گسترش روزافزون تعداد سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی  
 د) ظهور مسائل و مشکلات جدیدی در عرصه جهانی که نیاز به راه‌حل‌های جهانی، و نه ملی دارند (جهانی‌شدن مسائل سیاست‌گذاری)

### جهانی‌شدن: پروژه یا پروسه؟

تنوع دیدگاه‌ها راجع به جهانی‌شدن را بر اساس اینکه این پدیده را امری ساختگی و طراحی‌شده از جانب برخی بدانیم یا اینکه آن را یک فرایندی تصور کنیم که متولی خاصی ندارد و به صورت اجتناب‌ناپذیر بر تمامی جوامع تحمیل می‌شود، می‌توان به دودسته زیر طبقه‌بندی کرد:

#### الف) جهانی‌شدن به عنوان یک فرایند

بر اساس این دیدگاه، واژه‌ی جهانی‌شدن متضمن این معنا است که بسیاری از نیروهای جهانی ساز و همگون‌گر غیرشخصی و فراتر از کنترل و قصد فرد یا گروهی از افراد است. (Waters, 2: 1995) از این منظر جهانی‌شدن نتیجه‌ی تحولات تاریخی معاصر است که بر اثر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی موجب فشردگی و تراکم جهان و تقویت آگاهی جمعی شده است. بدین ترتیب این فرایند گسترده‌تر از آن است که بخواهیم آن را یک طرح و نقشه‌ی از قبل طراحی‌شده قلمداد کنیم. جهانی‌شدن طرحی نیست که گروه یا دولت خاصی برای تحمیل اراده و دیدگاه خود به دیگران آن را به کار بسته باشد. پس جهانی‌شدن فرایندی است که با سرعتی فزاینده در حال پیشرفت است و تمامی جنبه‌های زندگی افراد در سطح کره‌ی زمین را تحت تأثیر خود قرار داده است. این اظهارات در واقع دیدگاه موافقان جهانی‌شدن است. از جمله آثار مثبت جهانی‌شدن که این گروه بر آن‌ها تأکید می‌کنند می‌توان به درک متقابل فرهنگ‌ها، گسترش علوم و دانش بشری، افزایش تحرک اجتماعی، گسترش و تقویت همکاری میان ملت‌ها، ایجاد یک فضای رقابتی که منجر به پیشرفت می‌شود، فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای زندگی بهتر، فرصت بیشتر برای عرضه‌ی کالاهای فرهنگی و بومی، گسترش ارتباطات و محدود کردن جباریت و خودسری دولت‌های غیر دموکرات اشاره کرد (دیبری مهر، سال اول، ۶۷)

#### ب) جهانی‌شدن به عنوان یک پروژه تحمیلی

از این دیدگاه جهانی‌شدن یک اقدام کاملاً آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده توسط کشورهای

غربی و در رأس آن‌ها آمریکا، به‌منظور پی‌گیری اهداف توسعه‌طلبانه خود در سطح جهان است. بر اساس این دیدگاه جهانی‌شدن در واقع ادامه فرایند استعمار و امپریالیسم کشورهای اروپایی است. آن‌ها بدین وسیله سعی در از بین بردن فرهنگ بومی کشورهای جهان سوم در جهت تحقق هر چه بهتر اهداف سیاسی و اقتصادی خود در این کشورها هستند. بدین ترتیب کشورهای جهان سوم بازنده اصلی این طرح خواهند بود. این دیدگاه از سوی مخالفان جهانی‌شدن مورد حمایت قرار گرفته و معتقدند که جهانی‌شدن منجر به فرار مغزها از جهان سوم، یکپارچگی فرهنگی، تضعیف اقلیت‌های ملی، شیوع مصرف‌گرایی، تضعیف اقتصاد کشور و کم‌رنج شدن مرزها و تضعیف حاکمیت ملی می‌شود (حمیدی و سرفرازی، ۱۳۹۰: ۱۰-۸).

### توسعه و وضعیت آن در شرایط جهانی‌شدن

توسعه از مهم‌ترین مقولات مطرح شده در علوم سیاسی است که بعد از جنگ جهانی دوم بخش عظیمی از مطالعات سیاسی را به خود اختصاص داده است. مطالعات مربوط به توسعه طیف وسیعی از نظریات را شامل می‌شود که هر کدام بر بعد خاصی تأکید می‌کردند و بعضی هم به توسعه به‌عنوان یک پدیده همه‌جانبه و فراگیر توجه داشتند. مایکل تودارو توسعه اجرایی چندبعدی می‌داند و معتقد است زمانی می‌توان مدعی وقوع توسعه در یک کشور شد که «مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل آن کشور از حالت نامطلوب خارج شده و به‌سوی وضعیتی "بهرتر" - از نظر مادی و معنوی - تغییر یافته باشد (ساعی، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۰).

در حال حاضر عاملی که منجر به تغییر فضای توسعه‌ای کشورها شده جهانی‌شدن است. به عبارتی جهانی‌شدن با برهم زدن مرز بین فضای داخلی و خارجی شرایط خاصی را برای توسعه ایجاد کرده است که با گذشته متفاوت است. در گذشته دولت‌ها در فرایند توسعه نقش داشتند و همه دولت‌ها، چه توسعه‌یافته و چه توسعه‌نیافته، در این فرایند ایفای نقش می‌کردند (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۱۷۳). در شرایط جهانی‌شدن، منابع بین‌المللی توسعه‌ای نقش اساسی در رشد و پیشرفت کشورها ایجاد می‌کند. در این شرایط یک کشور هر چند از لحاظ داخلی غنی باشد، توانایی تأمین تمام منابع خود را در توسعه ندارد و ناگزیر باید بخشی از این منابع را از محیط بین‌المللی کسب کند. بر این اساس برنامه‌ریزی برای توسعه مستلزم در نظر گرفتن این شرایط است.

### روش پژوهش: تحلیل محتوا

در این پژوهش برای بررسی موضوع مورد نظر (بررسی رابطه جهانی‌شدن و توسعه در

برنامه‌های توسعه) از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در اینجا قبل از اینکه به تحلیل برنامه‌های توسعه بپردازیم، ابتدا لازم است به‌طور مختصر در مورد روش به کار گرفته شده (تحلیل محتوا) و همچنین نحوه‌ی به کارگیری آن در این گزارش، توضیحاتی ارائه گردد.

تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره‌ی انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌های روزنامه، اسناد رسمی، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی، گزارش‌های اجتماعات، برنامه‌های شنیداری و دیداری و گزارش مصاحبه‌های نیمه رهنمودی به کار بست. واژه‌هایی که نویسنده، سخنران یا پاسخگو به کار می‌برد، بسامد آن‌ها، وجه آرایش آن‌ها در جمله، ساختمان خطابه و چگونگی بسط آن، منبع اطلاعاتی هستند که بر مبنای آن‌ها محقق می‌کوشد به شناختی دست یابد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۶: ۲۳۷). کلس کرپندورف تحلیل محتوا را «تکنیک پژوهشی استنباط معتبر از متن» تعریف می‌کند (کرپندورف، ۱۳۹۰: ۹-۲۹).

با توجه به اینکه در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است، در ادامه نحوه‌ی کاربرد آن را توضیح می‌دهیم. در ابتدا متن تحقیق را مشخص کردیم؛ متن نوشته‌ی قانون برنامه پنجم توسعه مصوب مجلس به‌عنوان متن تحقیق انتخاب شد. در ادامه با توجه به موضوع تحقیق متغیرهایی را که باید در متن درصدد شناسایی آن‌ها باشیم، مشخص کردیم. بدین منظور به تعریف مفهوم جهانی‌شدن، ابعاد و مؤلفه‌های آن، شاخص‌ها، دیدگاه‌های مختلف در مورد آن و موافقان و مخالفان آن پرداختیم. نتیجه‌ی این کار را می‌توان به‌صورت زیر نشان داد:

جدول شماره ۱: جهانی‌شدن، ابعاد و شاخص‌های آن

مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها
جهانی‌شدن	فرهنگی	- توسعه روابط فرهنگی در سطح جهانی - توسعه تکنولوژی ارتباطی و افزایش تأثیرگذاری آن در سطح جهانی
	سیاسی	- گسترش الگوهای حکومت دموکراسی در سطح جهان - افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی در حل و فصل مسائل جهانی (از قبیل سازمان ملل) - شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی و گسترش روزافزون تعداد و نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی - ظهور مسائل و مشکلات جدیدی در عرصه جهانی که نیاز به راه‌حل‌های جهانی، و نه ملی دارند (جهانی‌شدن مسائل سیاست‌گذاری)

اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش تجارت جهانی</li> <li>- افزایش سرمایه‌گذاری خارجی</li> <li>- افزایش نقل و انتقالات مالی در سطح جهانی</li> <li>- افزایش رقابت در سطح جهانی در حوزه اقتصادی</li> <li>- جابجایی نیروی کار بین‌المللی</li> </ul>
---------	---

جدول شماره ۲: جهانی‌شدن فرهنگی، دیدگاه‌ها و مشخصه‌های آن‌ها

مفهوم	دیدگاه‌ها	مشخصه
جهانی‌شدن فرهنگی	۱. دیدگاه ناهمگن‌سازی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- رد «یک فرهنگ یکسان شده» و تأکید بر تنوع و پلورالیسم در عصر جهانی‌شدن</li> <li>- جهانی‌شدن به معنای دو فرایند هم‌زمان عام‌گرایی و خاص‌گرایی</li> </ul>
	۲. دیدگاه همگن‌سازی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تأکید بر فرهنگ یکپارچه جهانی (فرهنگ مردم‌پسند آمریکایی)</li> </ul>

جدول شماره ۳: دیدگاه‌ها در مورد جهانی‌شدن و آثار آن

مفهوم	پروژه / پروسه	آثار آن
جهانی‌شدن	۱. پروسه (موافقان جهانی‌شدن)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- درک متقابل فرهنگ‌ها</li> <li>- گسترش علوم و دانش بشری</li> <li>- افزایش تحرک اجتماعی</li> <li>- گسترش و تقویت همکاری میان‌ملت‌ها</li> <li>- ایجاد یک فضای رقابتی که منجر به پیشرفت می‌شود.</li> <li>- فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای زندگی بهتر</li> <li>- فرصت بیشتر برای عرضه کالاهای فرهنگی و بومی</li> <li>- گسترش ارتباطات</li> <li>- محدود کردن جباریت دولت‌های غیر دموکرات</li> </ul>
	۲. پروژه (مخالفان جهانی‌شدن)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- از بین بردن فرهنگ بومی کشورهای جهان سوم</li> <li>- فرار مغزها از جهان سوم</li> </ul>

- یکپارچگی فرهنگی		
- تضعیف اقلیت‌های ملی		
- شیوع مصرف‌گرایی		
- تضعیف اقتصاد کشور		
- کم‌رنگ شدن مرزها		
- تضعیف حاکمیت ملی		

جدول شماره ۱ به ابعاد و شاخص‌های جهانی شدن اختصاص داده شده است. با توجه به این جدول سعی در شناسایی ابعاد جهانی شدن در واحدهای مورد بررسی راداریم. جدول شماره ۲ و ۳ که به ترتیب به جهانی شدن فرهنگی و موافقان و مخالفان جهانی شدن اختصاص داده شده است، به منظور تشخیص دیدگاه مثبت یا منفی نسبت به جهانی شدن، در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین متن را با توجه به هر سه این جداول تحلیل می‌کنیم.

پس از مشخص کردن متغیرها و شاخص‌ها، نوبت به واحدبندی متن رسید. در اینجا به منظور بررسی دقیق‌تر ابتدا متن قانون برنامه را به فصل‌های آن واحدبندی کردیم. مجدداً فصل‌ها را به ماده‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها شکستیم و بدین ترتیب «ماده» را به عنوان واحد زمینه در این تحقیق انتخاب کردیم و به بررسی وضعیت هر ماده با توجه به متغیرهای مشخص شده پرداختیم. در ادامه وضعیت هر کدام از ماده‌های قانون برنامه را نشانه‌گذاری کردیم و بدین ترتیب به مرحله‌ی تحلیل و استنباط رسیدیم که در ادامه بیان می‌گردد.

### جهانی شدن و توسعه در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه ج.ا.ا.

پس از توضیح روش تحقیق و نحوه‌ی کاربست آن، به قسمت اصلی تحقیق می‌رسیم که شامل تحلیل و استنباط موضوع تحقیق می‌شود. در اینجا طبق واحدبندی که قبلاً انجام داده بودیم، با تقسیم‌بندی متن قانون برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. به فصول تشکیل‌دهنده آن، و همچنین انتخاب «ماده» به عنوان واحد زمینه به تحلیل آن می‌پردازیم.

سؤال اول: هر یک از برنامه‌های توسعه چه دیدگاهی نسبت به جهانی شدن دارند؟ (چند درصد از هر یک از برنامه‌های توسعه با جهانی شدن مرتبط است؟)

برنامه سوم توسعه از ۱۹۹ ماده تشکیل شده است. در اینجا با ارزیابی شاخص‌های جهانی شدن در قانون برنامه سوم توسعه، مواد مرتبط با جهانی شدن را مشخص کردیم. در ماده

۴۶ که سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان موظف به برقراری مابه‌التفاوت در مورد کالاهای وارداتی که دارای امتیاز قابل توجه هستند، شده است، در واقع معطوف به جهانی شدن و تجارت جهانی است. همچنین در ماده ۴۷ که دولت موظف به تعیین قیمت تضمینی کالاهای اساسی به نحوی که قیمت خرید داخلی آن‌ها با هزینه خرید این کالاها از خارج برابری کند، شده است نیز معطوف به مسئله جهانی شدن و تجارت جهانی است. همچنین است ماده‌های ۵۳ (تشکیل کمیته‌ای برای برنامه‌ریزی و هدایت و نظارت بر اعزام نیروی کار به خارج از کشور)، ۵۸ (حذف معافیت‌های مالیاتی کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۱۱، در برخی موارد)، ۷۱ (پیش‌بینی در مورد صادرات غیرنفتی و معادلات مرزی)، ۸۵ (اخذ یا تضمین تسهیلات مالی خارجی توسط دولت)، ۸۷ (تهیه داخلی کالاهای اساسی که با ارز رسمی وارد کشور می‌شوند و امکان تولید آن‌ها در داخل وجود دارد)، ۸۸ (معمول داشتن شرایط یکسان ارزی و ریالی جهت پیمانکاران و تولیدکنندگان داخلی و خارجی، به‌منظور استفاده حداکثر از توان تولیدی کشور)، ۸۹ (کلیه دستگاه‌های اجرایی که بابت خرید کالاها یا انجام پروژه‌ها از ارز استفاده می‌کنند، موظف‌اند حداقل ۱۰٪ قیمت کالا یا هزینه ارزی پروژه را از محل تحویل کالاهای ساخت داخل پرداخت نمایند)، ۹۳ (افزایش توان حضور بانک‌های ایرانی در بانکداری بین‌المللی)، ۹۴ (ایجاد شبکه رایانه‌ای بازار سرمایه ایران جهت انجام امور بورسی در سطح ملی و بین‌المللی)، ۹۷ (اجازه به برخی از بانک‌ها به‌منظور استفاده از منابع مالی خارجی)، ۱۰۳ (مکلف بودن دولت به بهبود خدمات و ترویج استفاده از فناوری‌های جدید)، ۱۰۴ (مکلف بودن دولت به کاهش میزان آلودگی شهرهای بزرگ در حد استانداردهای سازمان بهداشت جهانی) و ... در مجموع از ۱۹۹ ماده تشکیل‌دهنده این قانون، ۴۰ ماده آن با جهانی شدن در ارتباط بودند. به عبارت دیگر از ۱۹۹ واحد متن برنامه سوم توسعه ۴۰ واحد آن مرتبط با جهانی شدن تشخیص داده شد. اگر بخواهیم این ارتباط را با درصد فراوانی بیان کنیم باید بگوییم که ۲۰٫۱ درصد از متن قانون برنامه سوم توسعه با جهانی شدن در ارتباط است. در جدول ذیل ماده‌های مرتبط با جهانی شدن در قانون برنامه سوم آمده است:

جدول شماره ۴: ماده‌های مرتبط با جهانی‌شدن در قانون برنامه سوم

ابعاد جهانی‌شدن		نگاه به جهانی‌شدن		مواد مرتبط با جهانی‌شدن	جهانی‌شدن مواد	
فرهنگی	اقتصادی	سیاسی	منفی			مثبت
				۴۷-۵۳		
				۵۸-۷۱		
				۸۵-۹۳		
	۴۶-۴۷			۹۴-۹۷		
	۵۳-۵۸			۱۰۳		
	۷۱-۸۵			۱۰۴	۴۶-۴۷-۵۳	
	۸۷-۸۸			۱۰۶	۵۸-۷۱-۸۵	
	۸۹-۹۳			۱۱۱	۸۷-۸۸-۸۹	
	۹۴-۹۷			۱۱۳	۹۳-۹۴-۹۷	
	۱۰۳			۱۱۴	۱۰۳-۱۰۴	
	۱۰۶			۱۱۵	۱۰۶-۱۰۹	
	۱۰۹	۱۰۴		۱۱۶	۱۱۱-۱۱۳	
	۱۱۱	۱۷۱		۱۱۷	۱۱۴-۱۱۵	
۱۶۲	۱۱۳	۱۸۰	۴۶-۸۷	۱۲۰	۱۱۶-۱۱۷	
۱۶۶	۱۱۴	۱۸۳	۸۸-۸۹	۱۲۲	۱۲۰-۱۲۲	
۱۶۷	۱۱۵	۱۸۴	۱۰۹	۱۲۶	۱۲۶-۱۳۰	
	۱۱۶	۱۸۵	۱۶۲-۱۶۸	۱۳۰	۱۳۲-۱۶۲	
	۱۱۷	۱۸۶		۱۳۲	۱۶۴-۱۶۶	
	۱۲۰			۱۶۴	۱۶۷-۱۶۸	
	۱۲۲			۱۶۶	۱۷۱-۱۸۰	
	۱۲۶			۱۶۷	۱۸۳-۱۸۴	
	۱۳۰			۱۷۱	۱۸۵-۱۸۶	
	۱۳۲			۱۸۰	۱۹۶	
	۱۶۴			۱۸۳		
	۱۹۶-۱۶۸			۱۸۴		
				۱۸۵		
				۱۸۶		
				۱۹۶		
۳	۳۰	۷	۷	۳۳	۴۰	تعداد مواد

برنامه چهارم توسعه از ۱۶۱ ماده تشکیل شده است. با بررسی‌های انجام شده ارتباط برخی از ماده‌های این قانون برنامه با جهانی شدن مشخص شد. طبق ماده ۱ به دولت اجازه داده می‌شود معادل ۵۰٪ مانده موجودی حسابی ذخیره ارزی برای سرمایه‌گذاری و تأمین اعتبار طرح‌های تولیدی، از طریق شبکه بانکی داخلی و بانک‌های ایرانی خارج از کشور به صورت تسهیلات استفاده نماید. ماده ۱۰ به فراهم کردن امکان حضور بانک‌ها در بازارهای مالی بین‌المللی پرداخته است. از جمله ماده‌های دیگر قانون برنامه که با جهانی شدن مرتبط هستند، می‌توان به ماده‌های ۱۳ (تأمین منابع مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی توسط بانک‌های تجاری از منابع بین‌المللی)، ۱۴ (تشویق و حمایت از جذب سرمایه‌ها و منابع خارجی در فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز)، ۱۵ (برقراری ارتباط با بورس‌های منطقه‌ای و جهانی به منظور مبادله اطلاعات و پذیرش متقابل اوراق بهادار)، ۱۸ (به اجرا درآوردن برنامه توسعه بخش کشاورزی با محوریت خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی، تأمین امنیت غذایی و...)، ۲۰ (تفنیذ مواد ۱۰۸، ۱۲۱، ۱۲۲، و ۱۳۴ قانون برنامه سوم توسعه)، ۲۱ (فراهم کردن زمینه حضور سرمایه‌گذاران خارجی در اکتشاف و استخراج مواد معدنی)، ۲۲ (فراهم نمودن زمینه تولیدات صنعت خودرو سواری مطابق با میزان مصرف سوخت در حد استاندارد جهانی و عرضه آن با قیمت رقابتی)، ۲۴ (تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی)، ۳۰ (تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در بخش مسکن)، ۳۳ (افزایش سهم کشور در تجارت بین‌الملل)، ۳۴ (واگذاری رقابتی امور تصدی به بخش‌های غیردولتی در مناطق ساحلی و دریاها و همچنین ارائه لوایح مورد نیاز در این زمینه به مجلس شورای اسلامی)، ۳۵ (گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی) و ... همان‌طور که در جدول ذیل نشان داده شده است، از مجموع ۱۶۱ ماده تشکیل دهنده این قانون، ۵۵ ماده با جهانی شدن مرتبط هستند. بدین ترتیب از ۱۶۱ واحد تشکیل دهنده برنامه چهارم توسعه ۵۵ واحد با جهانی شدن مرتبط بودند. به تعبیری دیگر درصد فراوانی ماده‌های مرتبط با جهانی شدن در این برنامه توسعه ۳۴٫۱۶ درصد است:



جدول شماره ۵: ماده‌های مرتبط با جهانی شدن در قانون برنامه چهارم

جهانی شدن مواد	مواد مرتبط با جهانی شدن	نگاه به جهانی شدن		ابعاد جهانی شدن	
		مثبت	منفی	سیاسی	اقتصادی
		۱-۱۰			
		۱۳-۱۴			
		۱۵-۲۰			
		۲۱-۲۲			۳۵-
		۲۴-۳۰			۴۳-
		۳۳-۳۴			۴۴-
		۳۵-۳۶			۴۵-
		۳۷-۳۹			۴۶-
		۴۳-۴۴		۱-۱۰	۴۷-
		۳۷-۳۹-۴۱		۱۳-۱۴	۴۸-
		۴۵-۴۶		۱۵-۱۸	۴۸-
		۴۲-۴۴		۱۵-۱۸	۵۰-
		۴۵-۴۷		۲۰-۲۱	۵۰-
		۵۰-۵۲		۲۰-۲۱	۵۲-
		۴۸-۵۲		۲۲-۲۴	۵۲-
		۵۵-۶۸		۷۲-۱۱۹	۵۵-
		۵۵-۶۸-۷۲		۳۰-۳۳	۵۵-
		۷۲-۷۴	۱۸-۴۱	۱۲۱-	۶۸-
		۷۴-۸۳	۴۲-	۳۴-۳۶	۹۶-
		۷۵-۸۳	۴۲-	۳۷-۳۹	۹۶-
		۸۷-۹۶	۱۰۶-	۱۲۹-	۹۷-
		۱۰۱-۱۰۴		۱۲۹-	۹۷-
		۹۷-۱۰۱		۱۳۷-۱۵۸	۱۰۴-
		۱۰۶-۱۰۸			۱۰۴-
		۱۰۹-۱۱۰			۱۰۶-
		۱۰۹-۱۱۱			۱۰۸-
		۱۱۳-۱۱۴			۱۰۸-
		۱۱۵-۱۱۶			۱۰۹-
		۱۱۷-۱۱۹			۱۰۹-
		۱۲۱-۱۲۷			۱۱۰-
					۱۱۰-
					۱۱۳-
					۱۱۳-
					۱۱۴-
					۱۱۴-
					۱۱۵-
					۱۱۵-
					۱۱۶-
					۱۱۶-
					۱۱۷-
					۱۱۷-
					۱۱۹-
					۱۱۹-
					۱۲۱-
					۱۲۱-
					۱۲۷-
					۱۲۷-

شماره مواد

				۱۲۹-		
				۱۳۷-		
				۱۵۶-		
				۱۵۷-		
				۱۵۸-		
۲۳	۲۵	۷	۴	۵۱	۵۵	تعداد مواد

برنامه پنجم توسعه دارای ۲۳۵ ماده است. در رابطه با این برنامه نیز به جستجوی مواد مرتبط با موضوع جهانی شدن در متن برنامه پرداختیم. ماده ۳ این قانون به تولید محصولات فرهنگی و حضور فعال در فضای مجازی اشاره دارد. در واقع این ماده در صدد است تا از فضای مجازی ای که در عرصه جهانی فراهم شده است و هر روز بر گستره آن افزوده می‌شود، در جهت اشاعه‌ی فرهنگ ملی اقدام نماید. ماده ۵ تهیه سند ملی توسعه روابط فرهنگی در سطح بین‌الملل را پیش‌بینی کند. حمایت مالی از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های با موضوع امام و انقلاب در جهان و تجهیز کتابخانه‌های معتبر خارجی به این آثار، موضوع ماده ۷ است. همچنین ماده‌های ۱۰ (مقابل با تهاجم فرهنگی)، ۱۶ (افزایش فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیئت علمی در داخل و خارج از کشور)، ۱۷ (تشویق طرف‌های خارجی قراردادهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی برای انتقال دانش فنی)، ۱۸ (ایجاد سازوکار لازم برای مشارکت نخبگان در مجامع علمی و پژوهشی بین‌المللی و برتر جهان)، ۱۹ (ایجاد تعامل آموزشی سازنده با دیگر کشورها و مراکز بین‌المللی)، ۲۰ (تمهیدات لازم برای دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی علمی معتبر)، ۲۵ (مکلف کردن وزارت کار به تنظیم سند ملی کار برحسب مصوبات سازمان بین‌المللی کار)، ۸۱ (تعیین نرخ ارز با توجه به تورم جهانی)، ۸۲ (استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی)، ۸۳ (اختیار بانک مرکزی مبنی بر انتشار انواع سکوک و اوراق مشارکت در بازار جهانی)، ۸۴ (سرمایه‌گذاری صندوق در بازارهای پولی و مالی بین‌المللی به پیشنهاد هیئت‌امنا)، ۸۷ (مشارکت طرف‌های خارجی در تأسیس بانک مشترک خارجی و ایرانی) و موادی که شماره آن‌ها در جدول ذیل آمده است، هر کدام به نحوی با موضوع جهانی شدن در ارتباط هستند. از مجموع مواد تشکیل‌دهنده قانون برنامه توسعه پنجم، ۴۷ ماده مرتبط با جهانی شدن تشخیص داده شد. به عبارت دیگر از ۲۳۵ واحد تشکیل‌دهنده این برنامه توسعه، ۴۷ واحد با جهانی شدن مرتبط است. اگر بخواهیم این مقدار را به درصد بیان کنیم، می‌توان گفت درصد فراوانی ماده‌های مرتبط با جهانی شدن در برنامه مذکور ۲۰ درصد است:

جدول شماره ۶: ماده‌های مرتبط با جهانی شدن در قانون برنامه پنجم

جهانی شدن مواد	مواد مرتبط با جهانی شدن	نگاه به جهانی شدن		ابعاد جهانی شدن		
		مثبت	منفی	سیاسی	اقتصادی	فرهنگی
شماره مواد		۳-۵			۲۵-۸۱	
		۷-۱۶			۸۲-۸۳	
		۱۷			۸۴-۸۷	
		۳-۵-۷			۱۰۲	
		۱۰-۱۶			۱۰۳	
		۱۷-۱۸			۱۰۴	
		۱۹-۲۰			۱۰۶	
		۲۵-۸۱			۱۱۱	
		۸۲-۸۳			۱۱۲	
		۸۴-۸۷			۱۱۳	
		۱۰۲-۱۰۳			۱۲۵	۳-۵
		۱۰۴-۱۰۶			۱۲۶	۷-۱۰
		۱۱۱-۱۱۲			۱۲۷	۱۶-۱۷
		۱۱۳-۱۲۵		۱۰	۲۰۱	۱۶
		۱۲۶-۱۲۷		۱۰۳	۲۱۰	۱۷
		۱۲۵-۱۱۳		۱۰۴	۲۱۱	۱۸
		۱۲۷-۱۲۶		۱۰۶		۱۹
		۱۳۳-۱۳۵		۱۱۱		۲۰
		۱۳۳-۱۳۵		۱۱۲		
		۱۴۰-۱۴۲		۱۱۳		
		۱۴۲-۱۴۰		۱۲۵		
		۱۴۳-۱۴۴		۱۲۶		
		۱۴۴-۱۴۳		۱۲۷		
		۱۴۵-۱۴۸		۱۳۳		
		۱۴۵-۱۵۰		۱۳۵		
		۱۶۰-۱۶۱		۱۴۰		
		۱۶۰-۱۶۱		۱۴۲		
		۱۶۳-۱۶۴		۱۴۸		
		۱۶۳-۱۹۴		۱۵۰		
		۱۶۶-۱۹۴				
		۲۰۱-۲۱۰				
		۲۱۱-۲۱۴				
	۲۲۴-۲۳۰					

		-۱۹۴			-۱۵۶		
		-۲۱۴			-۱۶۰		
		-۲۲۴			-۱۶۱		
					-۱۶۳		
					-۱۶۴		
					-۱۶۶		
					-۱۹۴		
					-۲۰۱		
					-۲۱۰		
					-۲۱۱		
					-۲۱۴		
					-۲۲۴		
					-۲۳۰		
۱	۹	۳۴	۳	۴	۴۳	۴۷	تعداد مواد

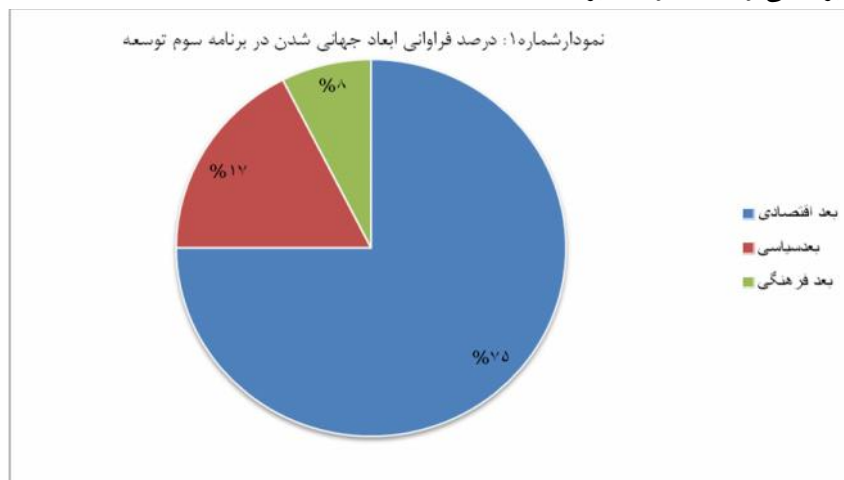
در جدول ذیل فراوانی و درصد فراوانی ماده‌های مرتبط با جهانی شدن در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه ج.ا.ا. آورده شده است:

جدول شماره ۷: فراوانی و درصد فراوانی ماده‌های مرتبط با جهانی شدن در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه

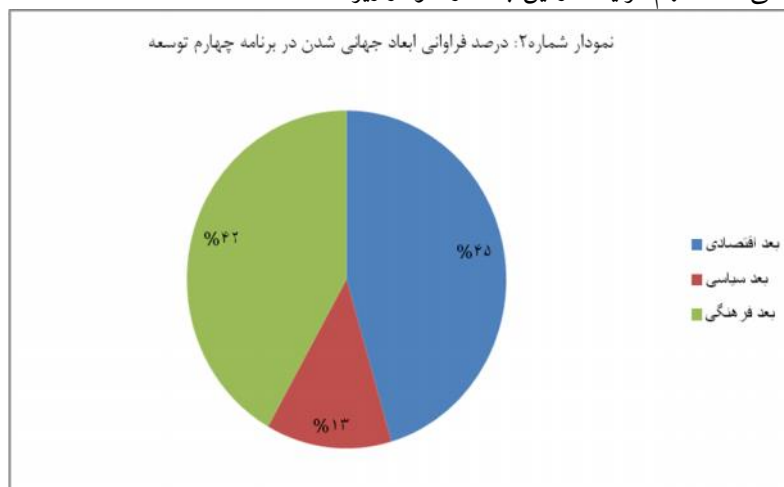
ماده برنامه	مجموع مواد تشکیل دهنده	فراوانی مواد مرتبط	درصد فراوانی مواد مرتبط
برنامه توسعه سوم	۱۹۹	۴۰	۲۰٫۱٪
برنامه توسعه چهارم	۱۶۱	۵۵	۳۴٫۱۶٪
برنامه توسعه پنجم	۲۳۵	۴۷	۲۰٪

سؤال دوم: ابعاد مختلف جهانی شدن در هر یک از برنامه‌های توسعه چگونه مطرح شده است؟ در اینجا می‌خواهیم ببینیم که از مجموع درصدهای مرتبط با جهانی شدن در هر یک از برنامه‌های توسعه، سهم ابعاد مختلف به چه میزان است؟ در برنامه‌های مختلف توسعه ابعاد

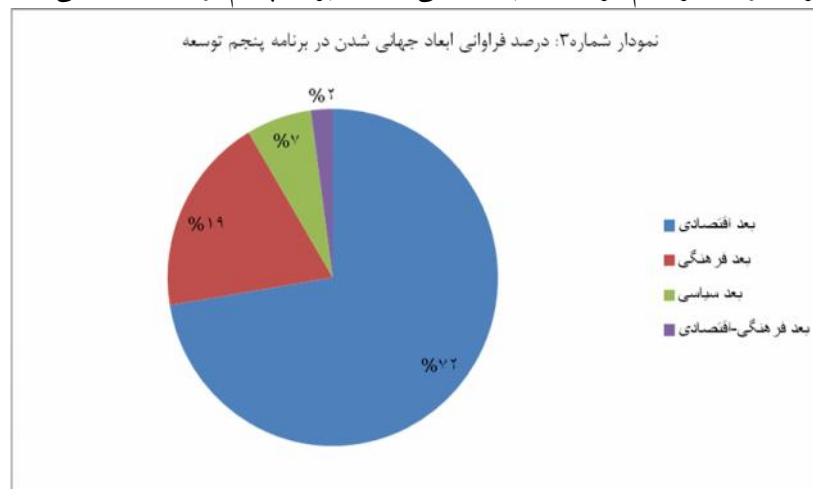
جهانی شدن به طرز متفاوتی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در برنامه سوم توسعه از مجموع ۴۰ ماده‌ای که با جهانی شدن مرتبط است، ۳۰ ماده آن در بعد اقتصادی، ۷ ماده آن در بعد سیاسی و ۳ ماده آن در بعد فرهنگی قرار می‌گیرد. به تعبیری دیگر درصد اختصاص داده شده به ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در برنامه سوم توسعه، به ترتیب ۷۵، ۱۷،۵ و ۷،۵ درصد است. این مقادیر را می‌توان در نمودار زیر نشان داد:



در برنامه چهارم توسعه، از مجموع ۵۵ ماده مرتبط با جهانی شدن ۲۵ ماده آن در بعد اقتصادی، ۲۳ ماده در بعد فرهنگی و ۷ ماده در بعد سیاسی قرار دارد. اگر بخواهیم درصد فراوانی این ابعاد را محاسبه کنیم، بعد اقتصادی ۴۵،۴۵٪، بعد فرهنگی ۴۱،۸۱٪ و در نهایت بعد سیاسی ۱۲،۷۲٪ را به خود اختصاص می‌دهند. سهم هر یک از این ابعاد در نمودار زیر نشان داده شده است:



در نهایت، برنامه پنجم توسعه که در مجموع ۴۷ ماده آن مرتبط با جهانی شدن است سهم هر کدام از ابعاد جهانی شدن در این برنامه به صورت زیر است: بعد اقتصادی ۳۴ ماده؛ بعد فرهنگی ۹ ماده؛ و بعد سیاسی ۳ ماده. البته یکی از ماده‌های مذکور ماهیت ترکیبی دارد و در بعد فرهنگی-اقتصادی جای می‌گیرد. اگر بخواهیم سهم هر یک از این ابعاد را به درصد محاسبه کنیم، بعد اقتصادی ۷۲٫۳۴٪، بعد فرهنگی ۱۹٫۱۴٪، و بعد سیاسی ۶٫۳۸٪ خواهد بود. در نهایت ۲٫۱۲٪ از ماده‌های مذکور ماهیت فرهنگی اقتصادی دارد و در این بعد ترکیبی جای می‌گیرد. نمودار زیر سهم هر یک از ابعاد جهانی شدن در برنامه پنجم توسعه را نشان می‌دهد:



سؤال سوم: در مقام مقایسه چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین برنامه‌های توسعه، از نظر نگاه به مقوله «جهانی شدن و توسعه»، وجود دارد؟

همان‌طور که از متن سؤال برمی‌آید، در این بخش با توجه به موضوع تحقیق به مقایسه بین برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم می‌پردازیم. در وهله اول آن چیزی که در همه برنامه‌های سه‌گانه توسعه مورد بررسی، مشترک است، توجه آن‌ها به جهانی شدن در مباحث توسعه است. همان‌طور که در بخش‌های قبلی ذکر گردید «جهانی شدن» یکی از مهم‌ترین محورهای این برنامه‌ها محسوب می‌شود. منتها آن چیزی که این برنامه‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند اولاً این است که سهم «جهانی شدن» در هر یک از این برنامه‌ها متفاوت است. در حالی که این سهم در برنامه سوم توسعه به ۲۰٫۱٪ است، سهم مذکور در برنامه چهارم توسعه به ۳۴٫۱۶٪ می‌رسد. در برنامه پنجم توسعه از سهم «جهانی شدن» در برنامه توسعه کاسته می‌شود و این سهم به ۲۰٪ کاهش پیدا می‌کند.

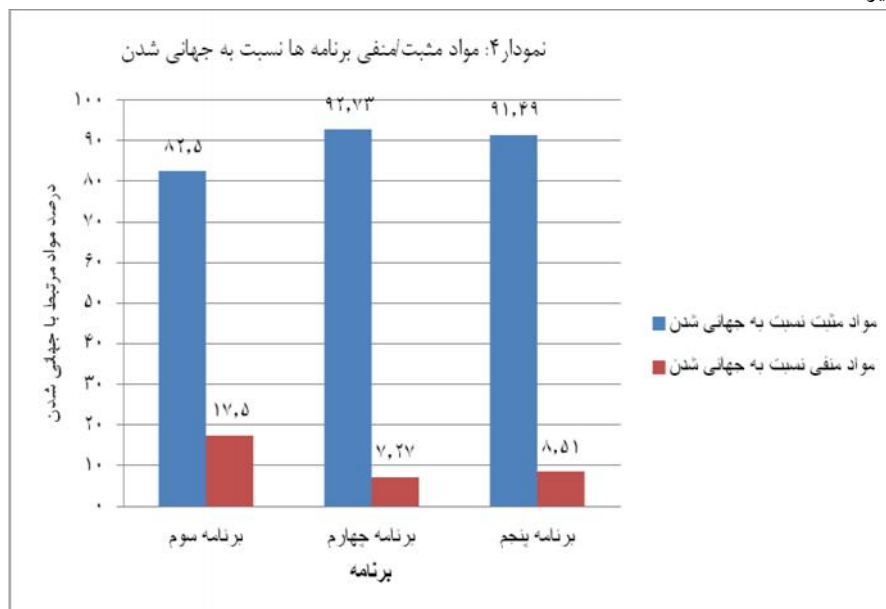
دوما، در هر یک از این برنامه‌ها سهمی را که به ابعاد مختلف جهانی‌شدن اختصاص داده شده است متفاوت است. درحالی که در برنامه سوم توسعه سهم بعد اقتصادی ۷۵٪، و سهم ابعاد فرهنگی و سیاسی به ترتیب ۱۷٫۵٪ و ۷٫۵٪ است، در برنامه چهارم توسعه سهم بعد اقتصادی به ۴۵٫۴۵٪ کاهش پیدا می‌کند، سهم بعد فرهنگی به ۴۱٫۸۱٪ افزایش پیدا می‌کند و در نهایت سهم بعد سیاسی ۱۲٫۷۲٪ تعیین می‌گردد. این مقدار در برنامه پنجم توسعه در هر یک از ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به ترتیب ۷۲٫۳۴٪، ۱۹٪ و ۶٫۳۸٪ است. بدین ترتیب همان گونه که ملاحظه می‌گردد، درحالی که در برنامه توسعه سوم و پنجم بعد اقتصادی با اختلاف فاحش از دیگر ابعاد در ردیف اول توجه قرار دارد، در برنامه چهارم این اختلاف کمتر و به نفع بعد فرهنگی، تقریباً متوازن تر می‌شود. تفاوت دیگری که از لحاظ توجه به ابعاد جهانی‌شدن در برنامه‌های سه گانه موردبررسی وجود دارد این است که درحالی که در برنامه سوم اولویت ابعاد جهانی‌شدن به ترتیب در بعد اقتصادی، سیاسی و سپس فرهنگی است، در برنامه‌های چهارم و پنجم که به لحاظ زمانی نیز متأخرتر هستند، این اولویت‌بندی برهم می‌خورد و اگرچه بعد اقتصادی هنوز هم در اولویت اول قرار دارد، اما بعد فرهنگی جایگزین بعد سیاسی می‌شود و بدین ترتیب بعد سیاسی در اولویت سوم جای می‌گیرد. البته در اینجا باید به وجه تشابه دیگر برنامه‌های سه گانه توسعه نیز اشاره کرد و آن اینکه در هر سه این برنامه‌ها بعد اقتصادی جهانی‌شدن در اولویت اول قرار دارد. این توضیحات (وضعیت برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم از لحاظ سهم ابعاد مختلف جهانی‌شدن) را می‌توان در جدول زیر نشان داد:

جدول شماره ۸: وضعیت برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم از لحاظ سهم ابعاد مختلف جهانی‌شدن

برنامه سهم ابعاد	فراوانی سیاسی	فراوانی اقتصادی	فراوانی فرهنگی	درصد فراوانی فرهنگی
برنامه سوم	۷	۱۷٫۵	۳۰	۷۵
برنامه چهارم	۷	۱۲٫۷۲	۲۵	۴۵٫۴۵
برنامه پنجم	۳	۶٫۳۸	۳۴	۷۲٫۳۴

سؤال چهارم: مواد دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی شدن، در هر یک از برنامه‌های توسعه از لحاظ ابعاد جهانی شدن، در کدام یک از ابعاد موردنظر قرار می‌گیرند؟

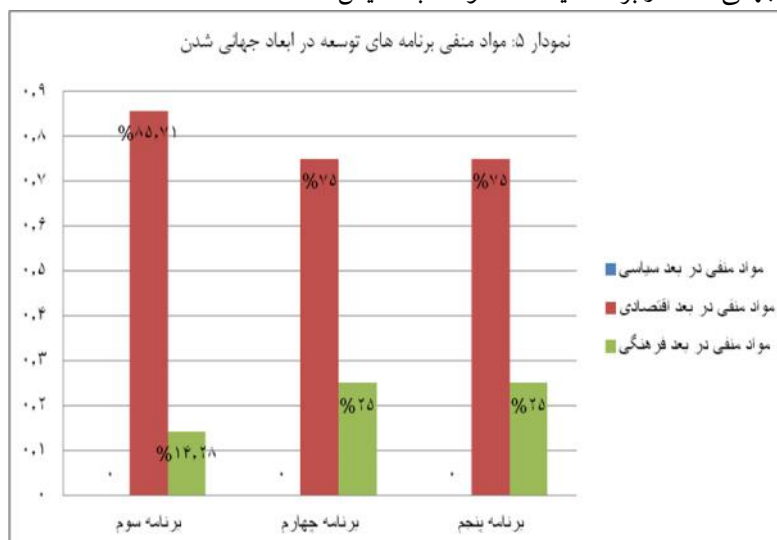
در بررسی مواد مرتبط با جهانی شدن در قسمتی از کار نوع نگاه به جهانی شدن را نیز در آن‌ها مشخص کردیم و آن‌ها را در دو مقوله الف) دارای نگاه مثبت به جهانی شدن، و ب) دارای نگاه منفی به جهانی شدن، تقسیم‌بندی کردیم. اکنون اقدام به شمارش این مقادیر می‌کنیم. بر همین اساس، در برنامه سوم توسعه، از مجموع ۴۰ ماده مرتبط با جهانی شدن، ۷ ماده دارای نگاه منفی نسبت به جهانی شدن می‌باشند که در واقع معادل ۱۷,۵٪ است. ۳۳ ماده دیگر دارای نگاهی مثبت نسبت به جهانی شدن هستند که ۸۲,۵٪ مواد مرتبط با جهانی شدن را تشکیل می‌دهند. در برنامه چهارم توسعه از مقدار مواد دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی شدن کاسته می‌شود و از مجموع ۵۵ ماده، ۴ ماده، معادل ۷,۲۷٪ دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی شدن هستند و ۵۱ ماده دیگر که ۹۲,۷۳٪ مواد مرتبط با جهانی شدن را تشکیل می‌دهند، دارای دیدگاهی مثبت نسبت به جهانی شدن می‌باشند. در نهایت با بررسی مواد برنامه پنجم توسعه مشاهده می‌گردد که از مجموع ۴۷ ماده مرتبط با جهانی شدن، ۴ ماده آن که معادل ۸,۵۱٪ است، دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی شدن هستند و ۴۳ ماده دیگر که ۹۱,۴۹٪ مواد مرتبط است، دارای دیدگاهی مثبت نسبت به جهانی شدن می‌باشند. این وضعیت برنامه‌های توسعه در نمودار زیر نشان داده شده است:





اکنون می‌خواهیم ببینیم مواد دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی‌شدن در هر یک از برنامه‌های توسعه مورد بررسی در کدام یک از ابعاد جهانی‌شدن جای می‌گیرند؟ در برنامه سوم توسعه، از ۷ ماده منفی نسبت به جهانی‌شدن، ۶ ماده در بعد اقتصادی (چهار ماده آن در حمایت از تولید داخلی، یک ماده در حمایت از قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی کشور، یک ماده در حمایت از کشاورزی و تأمین امنیت غذایی) و یک ماده در بعد فرهنگی (مقابله با تهاجم فرهنگی) قرار دارد و هیچ ماده منفی در بعد سیاسی وجود ندارد.

در برنامه چهارم مواد دارای دیدگاه منفی به چهار ماده کاهش پیدا می‌کنند که سه ماده آن در بعد اقتصادی (ماده ۱۸ خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی و تأمین امنیت غذایی، ماده ۴۱ حمایت از تولید داخلی، ماده ۴۲ حداکثر استفاده از توان تولیدی کشور) و یک ماده آن در بعد فرهنگی (مقابله با تهاجم فرهنگی) و بازم همانند برنامه سوم توسعه هیچ ماده منفی در بعد سیاسی وجود ندارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود هر کدام از مواد منفی برنامه چهارم به همان مواردی که ماده‌های منفی برنامه سوم توسعه به آن‌ها پرداخته بودند، اختصاص داده می‌شوند. در برنامه پنجم نیز شاهد چهار ماده دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی‌شدن هستیم که جایگاه آن‌ها از لحاظ ابعاد توسعه نیز همانند برنامه چهارم است بدین صورت که از چهار ماده منفی، سه ماده در بعد اقتصادی (شامل حمایت از کشاورزی و خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی)، یک ماده در بعد فرهنگی و با مضمون مقابله با تهاجم فرهنگی و مجدداً هیچ ماده منفی در بعد سیاسی وجود ندارد. در نمودار ذیل نحوه قرار گرفتن مواد منفی در ابعاد سه گانه جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه به نمایش گذاشته شده است:



با توجه به این مباحث می‌توان گفت که جهانی شدن در برنامه‌های توسعه، هم به صورت تهدید و هم به صورت فرصت برای توسعه کشور مطرح شده است، اما همان‌گونه که در بالا مشاهده کردیم جنبه‌های مثبت و فرصت‌گونه جهانی شدن در برنامه‌های توسعه تجلی بیشتری دارند، هرچند که وجود جنبه منفی و تهدیدآمیز جهانی شدن نیز در برنامه‌های توسعه انکارناپذیر است.

با توجه به مباحث مطرح شده و آمار و ارقام به دست آمده در پایان ذکر چند نکته در رابطه با برنامه پنجم توسعه ضروری است:

اول اینکه مقدار مواد مرتبط با جهانی شدن در برنامه پنجم توسعه نسبت به برنامه چهارم توسعه کاهش یافته است. این در حالی است که در برنامه چهارم شاهد افزایش مقدار مواد مرتبط با جهانی شدن نسبت به برنامه سوم هستیم. بر این اساس می‌توان گفت برنامه پنجم توسعه از لحاظ بهره‌گیری از امکانات جهانی شدن در توسعه کشور نسبت به برنامه چهارم دارای دیدگاهی ضعیف‌تر در این زمینه است.

دومین نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد به نحوه ترسیم ابعاد مختلف جهانی شدن در برنامه‌های توسعه برمی‌گردد. در این زمینه باید گفت که برنامه سوم نسبت به برنامه چهارم و پنجم دارای یک مزیت نسبی است و آن توجه ویژه به بعد سیاسی جهانی شدن است. این توجه به گونه‌ای است که بعد سیاسی در اولویت دوم بعد از بعد اقتصادی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر مزیت برنامه چهارم توسعه این است که در برنامه مذکور بین بعد اقتصادی و فرهنگی جهانی شدن شاهد یک توازن نسبی هستیم که این توازن در برنامه‌های سوم و پنجم به چشم نمی‌خورد. ضمن اینکه در برنامه چهارم بعد سیاسی نیز در صد قابل توجهی را به خود اختصاص داده است و مثل برنامه سوم و پنجم نیست که بعد سوم نسبت به ابعاد دیگر درصد ناچیزی را به خود اختصاص دهد. بر همین اساس با توجه به مقایسه ترسیم ابعاد مختلف جهانی شدن در برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم توسعه، می‌توان به دو نکته در مورد برنامه پنجم توسعه اشاره کرد: نکته اول عدم توازنی است که بین ابعاد اقتصادی و فرهنگی به عنوان اولویت اول و دوم از لحاظ توجه به ابعاد جهانی شدن است که شاهد اختلاف فاحش بعد اقتصادی نسبت به بعد فرهنگی است. البته ذکر این نکته ضروری است که توجه ویژه به بعد اقتصادی خود یک نکته مثبت است اما مسئله این است که چرا بعد فرهنگی نسبت به بعد اقتصادی این همه کم مورد توجه قرار گرفته است و به پتانسیل‌های بعد فرهنگی جهانی شدن در توسعه کشور توجه چندانی نشده است؟! دومین نکته قابل بیان در رابطه با برنامه پنجم توسعه این است که در برنامه پنجم توسعه به بعد سیاسی هم توجه چندانی نشده است و در واقع میزان بهره‌مندی از امکانات

این بعد نیز ناچیز است.

### نتیجه

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی است که به بررسی رابطه توسعه و جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. پرداخته است. در مورد اهمیت موضوع تحقیق باید گفت که جهانی‌شدن که از مهم‌ترین مباحث در دهه‌های اخیر است که حوزه مطالعاتی وسیعی را به خود اختصاص داده است. مبحث توسعه نیز جایگاهی درخور توجه در پژوهش‌های علوم اجتماعی دارد و هنوز ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. علاوه بر این در حوزه‌ی عملی هم «توسعه» به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در کشورهای در حال توسعه مطرح است. در نهایت باید گفت که برنامه‌های توسعه نیز به عنوان مهم‌ترین سند توسعه در ج.ا.ا. تلقی می‌شوند و طبیعتاً توسعه در وهله‌ی اول وابسته به این برنامه‌ها است. بدین ترتیب این برنامه‌ها باید پیش از هر چیز موضوع پژوهش در مورد توسعه باشند. بنابراین اهمیت سه محور اصلی پژوهش حاضر یعنی جهانی‌شدن، توسعه و برنامه‌های توسعه ج.ا.ا. مشخص شد. علاوه بر این آن چیزی که بر اهمیت بیشتر موضوع این تحقیق می‌افزاید، قرار گرفتن این سه موضوع مهم در کنار هم و یافتن رابطه آن‌ها باهم در این تحقیق است. در این مقاله برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه ج.ا.ا. با روش تحلیل محتوا بررسی می‌شوند.

سؤال اصلی تحقیق در واقع این گونه مطرح شد که چه نسبتی بین جهانی‌شدن و توسعه در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟ به منظور دقیق‌تر و واضح‌تر شدن سؤال و همچنین پاسخگویی دقیق‌تر به سؤال، سعی کردیم سؤال اصلی را در قالب چهار سؤال فرعی زیر دنبال کنیم: (۱) هر یک از برنامه‌های توسعه چه دیدگاهی نسبت به جهانی‌شدن دارند؟ (چند درصد از هر یک از برنامه‌های توسعه با جهانی‌شدن مرتبط است؟)؛ (۲) ابعاد مختلف جهانی‌شدن، در هر یک از برنامه‌های توسعه چگونه مطرح شده است؟؛ (۳) در مقام مقایسه چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین برنامه‌های توسعه، از نظر نگاه به جهانی‌شدن و توسعه، وجود دارد؟؛ (۴) مواد دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی‌شدن، در هر یک از برنامه‌های توسعه از لحاظ ابعاد جهانی‌شدن، در کدام یک از ابعاد مورد نظر قرار می‌گیرند؟ در ادامه فرضیه تحقیق را که بر اساس مطالعات اکتشافی شکل گرفته بود، تدوین کردیم. فرضیه از این قرار بود: «در برنامه‌های توسعه به پدیده جهانی‌شدن هم به عنوان فرصت و هم به عنوان تهدید نگریسته شده است اما به جنبه فرصت گونه آن توجه بیشتری شده است که از آن می‌توان برای توسعه کشور استفاده کرد».

بدین ترتیب سعی کردیم تا با تجزیه و تحلیل یافته‌های ناشی از روش تحقیق به کار گرفته شده، به سؤالات پاسخ دهیم. در پاسخ به سؤال اول مشخص گردید که میزان ارتباط با جهانی شدن در هر یک از برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه به ترتیب، ۱، ۲۰٪، ۱۶، ۳۴٪ و ۲۰٪ است. به سؤال دوم که به بررسی ابعاد مختلف جهانی شدن در برنامه‌های توسعه پرداخته بود، این گونه پاسخ داده شد: در برنامه سوم توسعه از مجموع ۴۰ ماده‌ای که با جهانی شدن مرتبط است، ۳۰ ماده آن در بعد اقتصادی، ۷ ماده آن در بعد سیاسی و ۳ ماده آن در بعد فرهنگی قرار می‌گیرد؛ در برنامه چهارم توسعه، از مجموع ۵۵ ماده مرتبط با جهانی شدن ۲۵ ماده آن در بعد اقتصادی، ۲۳ ماده در بعد فرهنگی و ۷ ماده در بعد سیاسی قرار دارد؛ و در نهایت، برنامه پنجم توسعه که در مجموع ۴۷ ماده آن مرتبط با جهانی شدن است سهم هر کدام از ابعاد جهانی شدن در این برنامه به صورت زیر است: بعد اقتصادی ۳۴ ماده؛ بعد فرهنگی ۹ ماده؛ و بعد سیاسی ۳ ماده. البته یکی از ماده‌های مذکور ماهیت ترکیبی دارد و در بعد فرهنگی-اقتصادی جای می‌گیرد. اکنون که وضعیت هر یک از برنامه‌های توسعه در رابطه با جهانی شدن و همچنین ابعاد آن مشخص شده است، سؤال سوم به مقایسه بین برنامه‌های توسعه در رابطه با موضوع تحقیق می‌پردازد. سؤال مذکور این گونه پاسخ داده می‌شود: در وهله‌ی اول آن چیزی که در همه‌ی برنامه‌های سه‌گانه توسعه مورد بررسی، مشترک است، توجه آن‌ها به جهانی شدن در مباحث توسعه است. منتها آن چیزی که این برنامه‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند اولاً این است که سهم «جهانی شدن» در هر یک از این برنامه‌ها متفاوت است. دوماً، در هر یک از این برنامه‌ها سهمی را که به ابعاد مختلف جهانی شدن اختصاص داده شده است متفاوت است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، در حالی که در برنامه توسعه سوم و پنجم بعد اقتصادی با اختلاف فاحش از دیگر ابعاد در ردیف اول توجه قرار دارد، در برنامه چهارم این اختلاف کمتر و به نفع بعد فرهنگی، تقریباً متوازن‌تر می‌شود. تفاوت دیگری که از لحاظ توجه به ابعاد جهانی شدن در برنامه‌های سه‌گانه مورد بررسی وجود دارد این است که در حالی که در برنامه سوم اولویت ابعاد جهانی شدن به ترتیب در بعد اقتصادی، سیاسی و سپس فرهنگی است، در برنامه‌های چهارم و پنجم که به لحاظ زمانی نیز متأخرتر هستند، این اولویت‌بندی بر هم می‌خورد و اگرچه بعد اقتصادی هنوز هم در اولویت اول قرار دارد، اما بعد فرهنگی جایگزین بعد سیاسی می‌شود و بدین ترتیب بعد سیاسی در اولویت سوم جای می‌گیرد. البته در اینجا باید به وجه تشابه دیگر برنامه‌های سه‌گانه توسعه نیز اشاره کرد و آن اینکه در هر سه این برنامه‌ها بعد اقتصادی جهانی شدن در اولویت اول قرار دارد. در ادامه به سؤال چهارم پرداخته شد: طبق داده‌های موجود مشخص گردید که در برنامه سوم توسعه، از مجموع ۴۰ ماده مرتبط با جهانی شدن، ۷

ماده دارای نگاه منفی نسبت به جهانی‌شدن می‌باشند که در واقع معادل ۱۷,۵٪ است. ماده ۳۳ دیگر دارای نگاهی مثبت نسبت به جهانی‌شدن هستند که ۸۲,۵٪ مواد مرتبط با جهانی‌شدن را تشکیل می‌دهند. از ۷ ماده منفی نسبت به جهانی‌شدن، در این برنامه توسعه، ۶ ماده در بعد اقتصادی و یک ماده در بعد فرهنگی قرار دارد و هیچ ماده منفی در بعد سیاسی وجود ندارد. در برنامه چهارم توسعه از مقدار مواد دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی‌شدن کاسته می‌شود و از مجموع ۵۵ ماده، ۴ ماده، معادل ۷,۲۸٪ دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی‌شدن هستند و ۵۱ ماده دیگر که ۹۲,۷۳٪ مواد مرتبط با جهانی‌شدن را تشکیل می‌دهند، دارای دیدگاهی مثبت نسبت به جهانی‌شدن می‌باشند. از مجموع چهار ماده منفی این برنامه توسعه نسبت به جهانی‌شدن، سه ماده آن در بعد اقتصادی و یک ماده آن در بعد فرهنگی و بازمهم همانند برنامه سوم توسعه هیچ ماده منفی در بعد سیاسی وجود ندارد. در نهایت با بررسی مواد برنامه پنجم توسعه مشاهده می‌گردد که از مجموع ۴۷ ماده مرتبط با جهانی‌شدن، ۴ ماده آن که معادل ۸,۵۱٪ است دارای دیدگاه منفی نسبت به جهانی‌شدن هستند و ۴۳ ماده دیگر که ۹۱,۴۹٪ مواد مرتبط است، دارای دیدگاهی مثبت نسبت به جهانی‌شدن می‌باشند. جایگاه مواد منفی این برنامه از لحاظ ابعاد توسعه نیز همانند برنامه چهارم است بدین صورت که از چهار ماده منفی، سه ماده در بعد اقتصادی، یک ماده در بعد فرهنگی و مجدداً هیچ ماده منفی در بعد سیاسی وجود ندارد. با توجه به این مباحث می‌توان گفت که جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه، هم به صورت تهدید و هم به صورت فرصت برای توسعه کشور مطرح شده است، اما همان گونه که در بالا مشاهده کردیم جنبه‌های مثبت و فرصت گونه جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه تجلی بیشتری دارند، هر چند که وجود جنبه منفی و تهدیدآمیز جهانی‌شدن نیز در برنامه‌های توسعه انکارناپذیر است.

## منابع

## الف) فارسی

- آشوری، داریوش، و دیگران، (۱۳۸۱)، *مسائل و چشم‌اندازهای فرهنگ*، ترجمه بهروز منتظری، و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- استیگلیتز، جوزف ای، (۱۳۸۸)، «جهانی‌شدن و توسعه»، دو فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، پاییز و زمستان، شماره ۱۰۹.
- بال، آلن ر، پیترز، ب گای، (۱۳۸۴)، *سیاست و حکومت جدید*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: قومس.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۲)، «ابعاد سیاسی جهانی‌شدن و جهان اسلام»، شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- پروین، خیرالله، (۱۳۸۹)، «تأثیر جهانی‌شدن و تحولات بین‌الملل بر حاکمیت و استقلال دولت‌ها»، فصلنامه سیاست، زمستان، دوره ۴۰، شماره ۴.
- جنت، محمدصادق، (۱۳۸۵)، «ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران»، دنیای اقتصاد، دی‌ماه، شماره ۱۱۵۶.
- چمپی، جیمز، لوریا، نیتین، (۱۳۷۶)، *با شتاب به پیش*، ترجمه محمود طلوع، تهران: رسا.
- حمیدی، همایون، سرفرازی، مهرزاد، (۱۳۹۰)، «جهانی‌شدن و مدیریت منابع انسانی»، *مطالعات راهبردی جهانی‌شدن*، بهار، دوره ۱، شماره ۱.
- دبیری مهر، امیر، (۱۳۸۴)، «جهانی‌شدن و توسعه ملی»، راهبرد یاس، سال اول، شماره ۴.
- رنجکش، جواد، (۱۳۸۹)، «جهانی‌شدن»، *مجموعه مقالات دومین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه*، مشهد مقدس، اردیبهشت ماه.
- زمانی، هادی، (۱۳۸۴)، *ایران: فرصت‌ها و چالش‌های جهانی‌شدن*، تهران: انتشارات بال.
- زهره‌ای، محمدعلی، (۱۳۸۹)، *درآمدی بر سایر دیپلماسی و قدرت نرم در عصر جهانی‌شدن فرهنگ*، تهران: انتشارات گاج.
- ساعی، احمد، (۱۳۸۸)، *توسعه‌نیافتگی در دوران پساستعماری*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ساعی، احمد، (۱۳۸۸)، *مسائل سیاسی و اقتصادی جهانی‌شدن*، تهران: سمت.
- سریع‌القلم، محمود، (۱۳۹۱)، *ایران و جهانی‌شدن: چالش‌ها و راه‌حل‌ها*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سلیمی، حسین، (۱۳۸۶)، *نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن*، تهران: سمت.

- عاملی، سعیدرضا، (۱۳۸۳)، «جهانی شدن‌ها: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه ارغنون، زمستان، جلد ۲۴.
- عبدالهی، محسن، (۱۳۹۰)، «جهانی شدن، توسعه و مدیریت جدید حکومتی (تجربه آمریکای لاتین)»، فصلنامه سیاست، بهار، دوره ۴۱، شماره ۱.
- فصیحی، حبیب‌الله، (۱۳۸۲)، «معیارهایی در سنجش جهانی شدن با نگاهی به ایران»، مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۱۹۳-۱۹۴.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۶)، *جهانی شدن و جهان سوم*، تهران: وزارت امور خارجه.
- کچوئیان، حسین، (۱۳۸۴)، «نظریه‌های فرهنگ و جهانی شدن، از رویکرد تا واقعیت»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار و تابستان، شماره ۲ و ۳.
- کریپندورف، کلوس، (۱۳۹۰)، *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.
- کومسا، ا، (۱۳۷۸)، «جهانی شدن و منطقه‌گرایی و اثر آن بر کشورهای درحال توسعه»، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۴۷-۱۴۸.
- کیوی، ریمون، کامپنهود، لوک وان، (۱۳۸۶)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱a)، «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات ملی، بهار، شماره ۱۱.
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱b)، *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*، تهران: نشر نی.
- لعل بماگاواتی، جاگدیش ناتوار، (۱۳۸۳)، *دفاع از جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ماندگار، مصطفی، (۱۳۹۰)، «جستاری در جهانی شدن و تحول در قراردادهای انتقال تکنولوژی»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، پاییز، شماره ۳.
- منصور، جهانگیر، (۱۳۹۱)، *قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دوران.
- موتقی، سید احمد، زاهدی، نسا، (۱۳۹۰)، «تأثیر بحران اجتماعی و جهانی شدن بر ظهور بنیادگرایی در مصر»، فصلنامه سیاست، بهار، دوره ۴۱، شماره ۱.
- مهر علی زاده، یدالله، (۱۳۸۴)، *جهانی شدن و تغییرات سازمانی و برنامه‌ریزی توسعه‌ی منابع انسانی*، چاپ اول، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
- نش، کیت، (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن سیاست و قدرت*، ترجمه

محمدتقی دل‌فروز، تهران: انتشارات کویر.

- هینس، جی، (۱۳۸۱)، دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم، ترجمه داود کیانی، تهران: مطالعات راهبردی.

#### ب) انگلیسی

- Albrow, Martin, (1992), *Globalization*, In T.Bottomore and W.Outwait, Dictionary of Twentieth Century Social Thought, Oxford, Blakwell.

- Amin, Ash, (1997), "Placing Globalization", Theory, Culture and Society, 14 (2).

- Giddens, Anthony, (1998), *The Third Way*, Cambridge, Polity, 129.

- Harvey, David, (1989), *The Condition of Postmodernity*, Blackwall: Oxford.

- Lee, Edvards, (2001), *The Global Economy: Changing Politics, Society and Family*. Paragon House Press.

- Mcluhan, Marshall, (1964), *Understanding Media*, London.

- O Donnel, Mike, (2005), *Classical and Contemporary Sociology: Theory and Issues*, Hodder&Stuoghton Press.

- Scholte, Jan Aart, (2000), *Globalization, A critical Introduction*, Martins Press.

- Waters, Malcolm, (1995), *Globalization*, London: Routledge.